

از هر گلی گلبرگی (جلد دوم)

به اهتمام
دکتر بختیار مالکی

سرشناسه	:	مالکی، بختیار، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	ازهر گلی گلبرگی / به اهتمام بختیار مالکی.
مشخصات نشر	:	اصفهان: پویان مهر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۴۷۸ص.
شابک	:	9786008033257
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ / ۴۲۳ / ۱۲۷AC
رده بندی دیویی	:	۵۸۹ / فا
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۳۳۲۳۶۵

شناسنامه کتاب

نام کتاب: ازهر گلی گلبرگی (جلد دوم)

مؤلف: دکتر بختیار مالکی

ناشر: انتشارات پویان مهر

تاریخ نشر چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

لیتوگرافی: آسمان

چاپ: ونوس

صحافی: سپاهان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۳-۲۵-۷

فهرست کتاب از هر کلی گلبهرگی

۱	پیشگفتار.....
۱	یا هو.....
۳	الهی مرا چشم بیدار ده.....
۱۲	قله اورست.....
۱۳	نزولی به اعماق اقیانوس.....
۱۵	نخستین کاربرد آهن.....
۱۶	ای که در بی نشانی نشانی.....
۱۸	بنای معبد اورشلیم.....
۱۹	آثار هومر، نخستین المپیک.....
۲۰	اندیشه های زردشت.....
۲۱	آثار فثاغورث، تولد کوسه س.....
۲۴	اشک اول، قانون حمید.....
۲۷	ونوس، آرد و هلاکت سراسوس.....
۳۰	برگ پانیزم که از چشم بهار افتاده.....
۳۱	سوزاندن رم.....
۳۲	انهدام بمعنی.....
۳۳	جلوس کاتیشکا.....
۳۴	ظهور مانی، ظهور مزدک.....
۳۵	قتل عام مزدکیان، بیا ز بهنه ی دریای دل خبر شنیم.....
۳۶	گوهر خود را هویدا کن.....
۳۹	حکیم فارابی، رازی و کشف جوهر گوگرد.....
۴۱	حکایت.....
۴۳	تونی که جان جهانی و جوهر جانی.....
۴۵	حکایت.....
۴۷	حکایت.....
۴۹	حکایت.....
۵۰	جانم به لب رسید و هنوزم ندیده ام.....
۵۱	چرا مبارکه؟.....
۵۷	چه گویم از ستم این جهان سست نهاد.....
۶۲	بیا در سرزمین دل سفر کن.....
۶۳	شرایط نویسندگی و گویندگی.....
۶۵	حاضر جوابی.....
۶۶	جامی، دو چیز بی همتا، دهان باز بی روزی نمائند.....
۶۷	ترباک- سوخته.....
۶۸	ای امید دل، تو را در آسمان می بینم.....
۷۲	ابوحکم ابن هشام.....
۷۳	دختر ۵ ساله مادر شد.....
۷۴	در درون خویشتن سیرو سفر داریم ما.....
۷۹	ای گل شکفته باش که دایم بهار نیست.....
۸۰	یکی گوهری یافت روی زمین.....
۸۲	در کشور ما.....

۸۴	از علی آموز اخلاص عمل
۸۸	حال خوش، یاد ایامی که ما هم یادگاری داشتیم
۹۰	می گریزم، می گریزم، می گریزم
۹۷	دردی است در دلم که مداوا نمی شود
۹۸	از انوشیروان عادل
۱۰۰	زمانه را بنگرید، کسی که درد ندارد ز درد بی خبر است
۱۰۸	یاد آن روزگاری
۱۱۲	آن قوت جوانی، آن صورت بهشتی
۱۱۴	المیباد، المیک
۱۱۵	خفاش
۱۱۶	طناب دار
۱۱۸	پاران همه رفتند
۱۱۹	طنطاوی و شش سال روزه
۱۲۱	حضرت فاطمه زهرا (ع) و حضرت علی (ع)
۱۲۲	کبر کد سبزه چنار
۱۲۳	جان عالم فدای حضرت دوست
۱۲۶	مهمان حبیب خداست
۱۳۲	موج طرب و عشق نهست در این باغ
۱۳۳	ای همسر مهربان کجائی
۱۳۹	مزد صبر کردن زن
۱۴۰	مادری با ۶۹ فرزند
۱۴۳	حقیقت عرفان
۱۴۴	لطیفه، خریدن انجیر
۱۴۷	یا رب به حرمت دل پاکان مرا به بخش
۱۴۸	کریم در محاسبه سخت نمی گیرد
۱۵۱	در زیر آسمان دل بی غم که دیده است
۱۵۳	ما را بس
۱۵۶	شور عالم در دل پر جوش ماست
۱۵۷	خداوند آمرزنده گناهان است
۱۶۱	برادر بزرگم
۱۶۲	ما را ز تندباد حوادث کمر شکسته
۱۶۵	فصل پانز درختان
۱۶۷	سوزاندن ژاندراک
۱۷۰	سفرنامه مازلان
۱۷۲	اختراع میکروسکوپ، اسفار ملاصدرا
۱۷۳	حکایت
۱۷۶	چون بنفشه در غمت سر در گریانم هنوز
۱۷۷	تاریخ
۱۸۰	عاقبت ستارخان و باقرخان
۱۸۱	نگویست که به تقوا زهد مسلمان باش
۱۸۵	بیچاره آدمیزاد
۱۸۸	خنده کن تا بر تو بخندد روزگار
۱۸۹	خواجه نصیرالدین طوسی

۱۹۲	کف زدن برای قتل پدر.....
۱۹۴	پایان عمر حکیم بوذرجمهر.....
۱۹۶	خطرات وزارت.....
۱۹۷	آزاد شو برادر از این تنگنای خاک.....
۱۹۸	کلمات حکیم بوذرجمهر.....
۲۰۰	جای و مقام خود را بشناس.....
۲۰۱	دختر بصره ای.....
۲۰۲	مرد مست و حکم فقه وقت، سنگسار.....
۲۰۴	نظر گونه آلمانی دوباره ی حافظ.....
۲۰۵	بیچاره پدر بزرگ.....
۲۰۶	بسیار دان کم گوی باش.....
۲۰۷	البته خدمت را با ارج نهاد، روزی که امیر کبیر به شدت گریست.....
۲۱۰	اردبیهشت دی شاد را طلیه ده جوانیم.....
۲۱۶	بینوا پسر بینا.....
۲۱۷	خوشبخت.....
۲۱۸	فخر آن بود که مرد به علم و رکن.....
۲۲۰	پارسانی چیست.....
۲۲۵	جانم به لب رسید و هنوز ندیده ام.....
۲۲۹	استادان.....
۲۳۱	ما به گنجینه ی دل گنج نهانی داریم.....
۲۳۸	به روزگار دلی شادمان نمی بینم.....
۲۴۴	ضرب المثل.....
۲۴۶	لطیفه.....
۲۴۸	محمد حنیفه و ساتلان.....
۲۴۹	منصور و زاهد ریایی، اعتراف.....
۲۵۰	گره، آشیان لک لک.....
۲۵۱	دلا نزد کسی بشین که از دلها خبر دارد.....
۲۵۳	سلطان سنجر و معزی، هجو استادانه.....
۲۵۴	زمین شوره.....
۲۵۵	کجلی وحشی.....
۲۵۸	روایت.....
۲۵۹	غرایز مادی، غرایز معنوی.....
۲۶۰	زن گرفتن، ازدواج کردن، خدای.....
۲۶۵	دایره اطلاعات یک گوینده موفق.....
۲۶۶	پاسخ رستم.....
۲۶۷	فردا ترک این سودا کنم، خواب نیاید.....
۲۶۸	سی سال استغفار، پوشاندن خطا یا خطاهای طبابت.....
۲۷۰	شیطان.....
۲۷۲	اختیار خانه به دست من و تو نیست.....
۲۷۳	صلح بهتر از جنگ.....
۲۷۴	زبردست افتاده مرد خدمات.....
۲۷۵	تا که دل دادم به تو.....
۲۷۶	مرام نامه ی تاریخی پهلوانان باستانی ایران.....

۲۸۱	گوهر یکدانه ام در رهگذار افتاده ام
۲۸۴	پیری و جوانی
۲۹۴	از بیانات حضرت علی (ع)
۲۹۸	به نام خداوند ودود، عمر
۲۹۹	پیام سوی وطن
۳۰۵	یا جانا به پای دل سفر کن
۳۰۸	داستان
۳۱۱	آخر خط
۳۱۹	حکایت
۳۲۰	تاج محل
۳۲۱	شنیدستم که مجنون دل افکار
۳۲۲	آبله
۳۲۴	لاوازیه و اسکیزن
۳۲۸	عشق چیست
۳۳۴	خواب
۳۳۶	ظرافت، فنی شاعر و عرفی شاعر
۳۳۷	کاخ کسری، ای سیل آنکس، دل شیدا چه می کنی
۳۳۹	اسکندر
۳۴۲	آتش آم
۳۴۴	یک جرعه نوشخند
۳۴۶	هر که هرچه ندارد می طلبد
۳۴۷	خرس قوی هیکل، ز کوی تو رس
۳۴۸	حاشا که من، پاداش خدمت به ظالم
۳۴۹	در کوی شهادت
۳۶۷	امید در دل من نقش جاودانه نداشت
۳۷۱	حمله افغان به اصفهان
۳۷۳	جوانی
۳۷۷	شاهنامه
۳۸۰	کیست آنکس که در این شهر خریدار تو نیست
۳۸۳	آن شب
۳۸۴	مرد حریصی ز بی جمع مال
۳۸۶	پرس و جو از بود و جمهر
۳۸۷	روایت
۳۸۸	حکایت، در این چمن که بهاران سر سفر دارد
۳۹۰	ای سپاهان شهر زیبای جهان
۳۹۲	ناتوان
۳۹۴	نکوهش بی جا
۳۹۵	اقسوس که در رهگذر عالم خاکی
۳۹۷	طاق کسری
۳۹۸	چه گویم از ستم این جهان مست نهاد
۴۰۵	گذشت عمر گرانه‌ایه شباب مرا
۴۱۰	یسکه در کنج قفس سر زیر پر باشد مرا
۴۱۱	اولین مایه کوبی آبله، جنگ و اترلو

۴۱۲		الهی بر دلم شوری عطا کن
۴۱۴		ویکتور هوگو، بده ساقی آن جام عشق آفرین
۴۱۷		مورس
۴۱۸		حکایت
۴۱۹		افسانه گشت در بر مردم جنون ما
۴۲۰		حکایت
۴۲۵		بیا در سرزمین دل سفر کن
۴۳۰		پیش افزون طلبان، آب سراب است اینجا
۴۳۱		انقلاب
۴۳۲		همه چیز، خویش، خوب است، بازی روزگار
۴۳۴		غم مخور کار جهان می گذرد
۴۳۵		هشتادمین سال زادگی
۴۳۷		سرنوشت
۴۴۰		اشک ناز
۴۴۱		کبوتر عاشق
۴۴۸		عجله
۴۵۵		نتیجه اخلاق نیکو
۴۵۶		تا به کی ای خواجه در دلم بنای
۴۶۰		وفای سگ
۴۶۱		مرد حریصی ز بی جمع مال
۴۶۴		یکی گوهری یافت روی زمین
۴۶۵		گریه فلاخی گریه تمساح است
۴۶۸		من با دل خویش همنوایم
۴۷۴		حکایت

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز

پیشگفتار

تقریظ بر مجموعه ی (از هر گلی گلبرگی) اثر پزشک عالیقدر و شاعر مردم دوست جناب آقای دکتر بختیار مالکی به قلم شاعر و نویسنده معاصر استاد مصطفی نادوی (شهیر اصفهانی)

به نام آنکه یادش راحت روح است و امش مفتاح فتوح ، قادری که آثار قدرتش چون روز روشن تابان است و انوار حکمتش بر لب تاری درخشان و به انسان این ژنده و نخبه ی عالم امکان مقام (علمه البیان) ارزانی داشت . حجت و شرافت قلم را سر لوحه ی دفتر معرفت انسانی فرمود به حکم : ن و القلم و ایستادون. در راستای شناختن و شناساندن مفاخر شعر و ادب اصفهان لازم دانستم با نظری و اندیش بر آثار پر ارج و به خصوص خدمات فرهنگی و اجتماعی و نوع دوستانه ی این پزشک عالیقدر و شاعر گرانمایه جناب آقای دکتر بختیار مالکی چهره ی فرهنگی، این شخصیت گرانقدر را در عرصه ی ادبیات توجیه نمایم.

دکتر بختیار مالکی فرزند فرج الله متولد ۱۳۱۳ در (شیخ آباد مبارکه اصفهان) چشم به جهان هستی گشود، پس از دوره ی دبستان سال ۱۳۳۳ در دبیرستان سعدی موفق به اخذ

دیپلم ششم طبیعی گردید و سپس در کنکور پزشکی با احراز مقام اول به دانشگاه راه یافت و پس از موفقیت در آزمون تخصص (جراحی) در بیمارستان شریعتی مشغول انجام وظیفه گردید. نزدیک یک سال از دوران جنگ تحمیلی در جبهه ها قریب ۳۰۰۰ عمل جراحی انجام داد، وی در بسیاری از سمینارهای داخلی و خارجی کشور شرکت فعالانه داشت و لوحه های از بخار آمیزی دریافت نمود.

از ویژگی های این پزشک عالیقدر علاقه و توجه خاص به امر ورزش است در موسیقی نیز دستی دارد و همچنین در هنر متعالی شاعری و نویسندگی و از ایشان تا به امروز آثار پر ارجی به زیور چاپ ارائه شد از جمله: ۱- دیوان بختیار در دو جلد، ۲- کشکول بختیار در دو جلد، ۳- از مزرعه تا امان علی ۴- جوانی و پیری و هم اکنون کتابی که در پیش رو دارید تحت عنوان (از هر گلی گلبرگی) اثری بسیار ارزنده که بیان کننده ی سیر و حرکت عمر انسانی از بد تولد تا ورود به دنیای ابیت است و این کاروان زندگی بشری که شب و روز این بیراهه حیات را طی می کند با هدف رسیدن به مقام قرب الهی به قول علامه طباطبائی :

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت

از سمک تا به سُهائش کشنِ سیلا برد

من خس بی سرو پایم که به سیل افتادم

او که می رفت مرا هم به دلِ دریا برد